



جمال امامی

کصد خاندان حکومتگران

خاندان امامی خوبی

امامی خوبی، جمال

جمال الدین امامی خوبی معروف به (جمال امامی) نامدارترین فرزندان امام جمعه خوبی می بود که جزء سیاستمداران برجسته زمان خود بشمار میرفت . جمال امامی پس از تحصیلات نخست عازم اروپا می شود در بروکسل و پاریس مدتی به تحصیل می پردازد ، سپس در زمان رضاشاه وارد ایران و خدمات دولتی در وزارت دارایی می شود . بخاطر روابط با امیر خسروی بزودی کارش بالامی گیرد به مشاغل مهم آب و نان دار گمارده می شود . مدتی رئیس اداره اتومبیل و سپس رئیس بازرگی و رئیس بازرسی در وزارت دارایی می شود و چون چندان از کارهای غیر قانونی و ضد مردمی و ضد شرعی پرهیز نداشت و دارای یکدنگی و بی پروایی و گستاخی می بود در این مشاغل خود را نیرومند می سازد . پس از شهریور ۱۳۲۰ وی با زست ویزهای وارد گود سیاست و فضای باز گردید . آنروز در کشور همه نوع احزاب (چپ افراطی ، چپ ، میانه ، راست ، راست افراطی . . .) تشکیل شدند و دست به فعالیت زدند .

جمال امامی نیز به همراه چند تن از شخصیت های راست گرا (علی دشتی ، دبیر اعظم بهرامی ، ابراهیم خواجه نوری . . .) حزب عدالت را بر پا داشتند که بیشتر کار این حزب مقابله عملی و زد و خورد شیوه خشونت با ملیون و کمونیستها می بود .

اوج این خشونت در تظاهرات جلو مجلس می بود که بر اثر تیراندازی جوانی بنام (خواجه نوری) هدف گلوله قرار می گیرد و جان می سپارد . وقتی خبر این حادثه خونین را به جمال امامی که در آنوقت نماینده مجلس بود میدهند وی شدیداً " به دولت اعتراض می کند و سیلی جانانه ای به گوش سرتیپ گلشائیان فرماندار نظامی که دستور تیراندازی

داده بود می زند ، این عمل یک نماینده مجلس ، پس از شهریور ۱۳۲۰ موجب شهرت و معروفیت پسر بی پروای امام جمعه خوبی می گردد .

طولی نمی کشد ازبدرهای افشانده شده ، حزب عدالت پیش از هر حزبی بهره برداری می کند مؤسسان حزب بزودی مشاغل مهمی را عهده دار می شوند بقول یکی از بیوگرافی نویسان ، وقتی که رؤسا بر خر مراد سوار می شوند امامی وکیل می گردد مشروطیت تأمین گردید و بتدریج حزب مانند برف در آفتاب ماه اسد تبدیل به مایع شد .

همین نویسنده جمال امامی را اهل زدوبند می نویسد عقیده دارد وی روابط خوبی با (جوازناوایی ، تابلوی اتوبوس ، ۱۰) دارد آنروز این کارها ، معاملات بی دردسر و پرسود و بی زحمت می بود ، گرفتن انواع جواز برای جمال امامی مثل آب خوردن بود هر جواز ارزش مالی خوبی داشت .

جمال امامی در ادوار ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۸ ، ۱۹ قانگذاری نماینده مجلس گردید و بسال ۱۳۲۷ وزیر مشاور و وزیر کار شد حال خودتان حساب کار را بکنید کسی با مصونیت سیاسی و ناپرهیزی از هر نوع پول و با آنهمه بی پروایی و دل و جرأت و ویژه گی کاریابی و کارگشایی با وزارت کار چه کارها که نخواهد کرد واگر باین خصوصیات جمال ، نظر رفیق او (حکیم الهی) را بیفزائیم که گروه آنان همکاری و همراهی با دیپلوماسی انگلستان را سودمند تر از سیاست روسیه میدانستند آنگاه به ضرورت وجود او بهتر پی میبریم .

حشرات الارض !!

جمال امامی در اندک مدتی کارآیی و کاردانی خود را در ایران نشان داد ، دیری نپائیدخانه جمال محل حل و فصل بند و بست امور مربوط به بخشهای خصوصی و معاملات سیاسی شد .

استعمار و ارتجاع و استبداد هر سه به حمایت او با شرایط خاصی پرداختند این قطب همه عناصر گردن کلفت ، بزنبهادر ، باج بگیر ، شوروچاقوکش و بد سابقه یمانند (زکی ترکه ها) را که دارای سوابق ممتد تبعید و زندانی بسبب نابکاری و جنایات و شرارات می بودند بسوی خود جلب کرد ، اینچنین الیگارشای ایران برای مقابله با هر دشمن (باندیتسم جمال) را با قیافه وحشت و ترور بمیدان آورد .

کار جمال به حسب شخصیت های سیاسی ، توانایی و ناتوانی نحوه بستگی به استعمار بویژه چگونگی روابط آنها با الیگارشای فرق می کرد از اینرو دولتها نیز با شناخت جناح جمال با او دست و پنجه نرم می کردند .

قوام السلطنه (احمد قوام) با همه کمبودها و شاخصیت دیرینی (الیکارشی ایران) نیروی خود را کافی برای حفظ منافع طبقه ممتاز میدانست عقیده داشت اگر کسی دارای دیپلماسی حساب خورده، توانایی شخصی باشد بی اینکه نیاز به شارلاتانیسم داشته باشد می تواند معضلات و مشکلات را حل و فصل کند از اینرو (جمال) را به بازی نمی گرفت.

وقتی وی پس از قضایای آذربایجان و روی کار آمدن پیشه‌وری و حکومت دست نشانده فرقه دموکرات در میان فضای ویژه سیاست ایران دولت خود را تشکیل داد، وجود جمال و دوستان او را مخل سیاست بیطرفانه قلمداد کرد.

مظاهر شناخته شده استعمار سیاه (دکتر طاهری، سیدضیا الدین طباطبائی) و همچنین (جمال امامی) را باز داشت نمود. آنان را بعنوان (حشرات الارض) به جامعه معرفی می کرد (۲) باز داشت اینان برای اغفال (سیاست چپ) پسنیدیده بود ولی همینکه بازی اصلی قوام بعنوان (راست گرایی) شروع شد جمال امامی باسلام و صلوات آزاد شده با نیرو و وسایل بیشتر بتقویت باند خود پرداخت پشت پرده دسیسه‌بزرگی در کار بود همه نیروها قوای خود را برای (تصاحب نفت ایران) تجهیز کرده بودند بنابراین زمان نیاز بیشتر به نیرو (باند پیسم) داشت از اینرو می بینیم دشمنان آزادی و بویژه آنهائیکه در کمین همان (دموکراسی نیم بند ایران) نشسته بودند قوای ارتجاعی و ضد ملی را بسوی خانه مجلل و باشکوه و سفره باز و دست بزال پیش می دادند.

این روزها اصطکاک سختی بین نیروهای استعماری در ایران می بود، مردم نیز بسختی تکان خورده برای حفظ دموکراسی و طرد استعمار و بویژه تصاحب (نفت ایران) تجهیز شده بودند در این موقع ناگهان مردی که شانس نخست وزیر شدن را از اینراه نداشت روی کار آمد، دولت رزم آرا تشکیل شد.

در این موقع بر اساس اختیاراتی که در تیرماه ۱۳۲۸ مجلس به دولت میدهد و در اثر مجاهدات مردانی با شرف و شجاع بمانند (عبدالعلی لطفی) که سرانجام جانشر را در راه عقیده‌اش گذاشت لیستی از دزدان و نادرستان و خائنین بنام و صاحب مقام مورد تصویب قرار می گیرد.

طبق تقسیم بندی هیأت تصفیه افراد (بندجیمی) بکسانی اطلاق میشد که دارای سوابق دیرین خیانت به مملکت بودند که حسب اظهارات سپهبد رزم آرا رئیس دولت و دشمن سر سخت او (رئیس اقلیت مجلس شورای ملی) ۸۵ در صد تصمیمات هیأت تصفیه صحیح بوده است (۳).

در راس بند جیمی ها (جمال امامی) قرار داشت (۴) جمال با نام بردن از مظاهر شناخته شده استعمار (سید ضیاء الدین طباطبائی، تقی زاده، علی دشتی) به هیأت

تصفیه حمله می‌کند (۵)

در همین جلسات است که تا حدی پرده از روی تشکیلات کانگستریسم استعمار برداشته می‌شود دکتر بقایی خطاب به جمال امامی می‌گوید (پولش را دارید الحمداله ۱۸۰ هزار تومان را بانک بدون رسیدگی بشما داد مگر نمیدانیم . . ششصد هزار تومان از وزارت فرهنگ نگرفتید همین پولهاست که چاقوکشها را درست می‌کند بنده خانه ششصد هزار تومانی ندارم) (۶)

طبق برنامه تهیه شده برای در هم شکستن جنبش ضد استعماری ایران، (باندیتسم جمال) اینچنین به یورش پرداخت :

۱- تهیه یک جناح پارلمانی بی پرنسیب و بی شخصیت که بتوانند با اعمال سیاست ترور و وحشت، فحش و ناسزا، احیاناً آذمکشی و ضرب و جرح محیط خفقانی در مجلس علیه دولت بوجود آورند تا کار نفت بسامان نرسد .

۲- خرید قلم‌ها و وجدانها و ایجاد یک جناح مطبوعات مزدور و کثیف که هر عمل ضد ملی و استعماری و تهدید آمیز را توجیه کنند شخصیت‌های متقی، متین و موقر و در عین حال ضد استعماری را از میدان بدر نمایند .

۳- (باندیتسم جمال) همه قوای کانگستریسم پایتخت را از میدان امین السلطان دروازه قزوین، کافه‌ها، کازینوها، قصابخانه، کاباره‌ها . . . تجهیز کرد بکمک رجاله‌های آذمکش و معروف (در همه جا دست بکار شد .

بزرگترین کاریکه در دستور جلسه (امپریالیسم) قرار داشت تمام شش دانگ حواس (داونینگ استریت) را متوجه خود کرده موضوع نفت ایران (شیشه عمر سیمرغ) بود برنامه امپریالیسم این بود با یک (قرار داد الحاقی نفت) دگر بار امتیاز نفت را تقریباً " مجانی ببرد، قوای ملی و افکار عمومی تجهیز برای مبارزه با این دسیسه غارتگرانه امپریالیسم شده بود و چون وزیر شناخته شده دارایی میدانست اگر لایحه دولت در مورد قرار داد الحاقی در مجلس مطرح گردد در دود خواهد شد (فروهر) لایحه را از مجلس مسترد می‌کند . این استرداد توفانی از نفرت خشم را در مردم و مجلس بوجود می‌آورد در جلسه ۹۷ مجلس ۱۲ دی ۱۳۲۹ مجلس شورای ملی (عبدالقدیر آزاد این عمل دولت را خیانت می‌شمارد و دکتر مظفر بقایی این اقدام دولت را خواست بویل وزیر امور خارجه انگلیس میداند و حائری زاده آنرا برخلاف حق عنوان میکند و کشاورز صدر دولت را تهدید به استیضاح می‌کند ولی جمال امامی کارگذار استعمار موافقت خود را با استرداد لایحه اعلام می‌دارد و در جلسه بعدی از وزیر دارایی حمایت می‌کند (۷)

نهضت ملی ایران با آگاهی تمام و فرزانی و پشتکار و ایمان استوار پیشنهاد (ملی شدن

نفت) یعنی بیرون کردن استعمار را از خاک وطن می‌کند. عمال استعمار همه قوای خود را علیه این پیشنهاد تجهیز می‌کند با تکتیک های گوناگون بجنگ مردم میرود دولت، ملت با استعداد کهن ایران را متهم به بی‌لیاقتی و ناشایستگی می‌کند جمال امامی نیز با سفسطه مودیانه بجنگ مردم می‌رود بقای منافع استعمار را بسود استقلال ما میداند می‌گوید (اگر نفت برود در دنبال آن استقلال ایران می‌رود) (۸)

ولی جهاد همگانی مردم منجر به تصویب (ملی شدن نفت در سراسر ایران) می‌شود استعمار و عمال در این بازی دچار یک اشتباه شدند، همین اشتباه آنانرا در (بن بست) گذاشت نه راه پیش و نه راه پس داشتند.

جمال امامی بارها مشت روی سندان سیاست می‌زد و میگفت (کاش آنروز پام شکسته بود به مجلس نمی‌آمدم و یا زبانم لال بود چنین پیشنهادی نمی‌کردم، زمام امور کشور را بدست این پیرمرد لجوج و یکدنده نمی‌دادم).

به دنبال ملی شدن نفت و خلع ید از امپریالیسم نفت ایران دولت آمریکا از بیم افزایش نیروی کمونیسم (هاریمان) مشاور رئیس جمهور را راهی ایران می‌کند تا اوضاع را بررسی کند چگونگی و ژرفای مبارزات نهضت ملت ایران را به دولت و ملت آمریکا گزارش کند اندیشه‌های انحرافی و آشفته سرمایه داران امریکایی را آرام و آسوده دارد.

جناح توده نفتی (انگلو کمونیستها) نظرشان این بود وضع ایران را طوری جلوه دهند که در این جنبش ملی نیروی واقعی ملت ایران دخالت و سهم ندارند بازیکر این پیکار ضد امپریالیستی (کمونیستها) هستند رفتن انگلیسها از ایران برابر است با چیرگی روسیان اگر امریکارا اینچنین بتوان اغوا کرد و فریب داد ایران در جهان آنروز از سوی همه ابر قدرتها کوبیده خواهد شد.

۲۳ تیر ۱۳۳۵ همزمان با ورود (هاریمان)، عمال دو استعمار شمال و جنوب ترتیب بلوای بزرگی میدهند تا نشان دهند ایران عرصه قدرت روس و انگلیس است اینکار با میتینگ و تظاهرات دستجات چپ نما بجهت ورود نماینده دولت آمریکا آغاز می‌گردد عمال بریتانیا با رجاله بازی و براه انداختن دستجات اوپاش و چاقو کش با مردم و بظاها با کمونیستها به زدو خورد می‌پردازند، ارتجاع در همه جا نقش هم آهنگ کننده را بعهد می‌گیرد (آقای جمال امامی عامل اجرای دستور انگلیسها قرار میگیرد بدین ترتیب که چند روز قبل چاقو کشان منسوب بخود را که از دیر زمانی در خدمت سفارت انگلیس در آمده بودند احضار نموده دستور یورش به میتینگ دهندگان را صادر میکند) (۹)

میتینگ و تظاهری از سوی (جمعیت مبارزه با شرکتهای استعماری... هوا داران صلح) که بظاها چپ بودند ولی رجال نشاندار انگلوفیل در رأس آن قرار داشتند شروع می‌شود

کار به زد و خورد شدید و کشته شدن پلیس و مردم منجر می‌گردد .
 اگر کسی در این روزها اخبار و تفسیر رادیو لندن را گوش می‌کرد میدید آنان چگونه
 از این تظاهر علیه دولت و ملت سوء استفاده می‌کنند افکار جهان را علیه ایران مشوب می‌دارند
 انگلو کمونیستها برای اثبات نظر خود باشگاهها و احزاب میانه و ملی و وابسته به
 نهضت ملی را مورد دیورشوغارت قرار میدهند نیروهای دولتی نیز حداقل مانع آشوبها نمی‌شوند .
 ولی حکومت با کمک مردم بسرعت آشوبها را می‌خواباند و بر اوضاع مسلط می‌گردد .
 مذاکرات هاریمن با دولت نشان می‌داد تظاهرات با اصطلاح انقلابی چقدر بسود امپریالیسم
 خلع ید شده تمام شده است .

روی این پندار باطل انگلستان یکی از شخصیت های ارزنده خود (استوکس) مهرداد
 سلطنتی بریتانیا را به ایران می‌فرستد تا شاید با آن تهدیدات و نمایشات و این سیاستمدار
 کهنه‌کار بتواند دولت را از پای در آورد جریان متوقف نفت (طلای سیاه) را بسوی بریتانیا
 روان سازد .

برای بهره برداری از این دسایس جمال امامی با کمک سایر هم فکran خود بحمايت
 از استوکس می‌پردازد بطوریکه از طرف مردم برای اقلیت مجلس لقب (بچه‌های استوکس)
 را می‌گیرد .
 ناتمام

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱- رجال بدون ماسک ۲۵ تل جامع علوم انسانی

۲- رجال بدون ماسک صفحه ۳۵

۳- مذاکرات مجلس دوره ۱۶ جلسه ۶۱ (۳۰ شهریور ۱۳۲۹)

۴- دفترچه هیات تصفیه

۵- مذاکرات مجلس جلسه ۵۸ ۲۱ شهریور ۱۳۲۹

۶- مذاکرات مجلس شورای ملی دوره ۱۶ جلسه ۶۱ (۳۰ شهریور ۱۳۲۹)

۷- مذاکرات مجلس شورای ملی جلسات ۹۷ ، ۹۸

۸- رساله نطقهای جمال امامی در مجلس ۱۶ صفحه ۱۵۸

۹- روزنامه پرخاش شماره ۱۲۵ - ۲۶ تیر ۱۳۳۰